ادامه از صفحه ۱۰

مبارزه با فراموشی

...تاجایی‌که توانستی از آن دفاع می‌کنی اما اگر به نظرات تو تمکین نکردند، در نهایت باید حرف رئیس تیم را گوش دهی. اما روشنفکر یعنی داور وسط بازی فوتبال. او به نفع هر کسی که از نظر داوری خودش درست باشد، سوت می‌زند. حالا تو می‌خواهی کدام یک را انتخاب کنی؟ همان موقع گفتم آقای دکتر بار سنگینی را از دوش من برداشتید. با این تعریف شما از واژه‌ها، من می‌خواهم روشنفکر باشم. گفت: پس دیگر تو نمی‌توانی داخل تیم باشی. همان موقع کاغذ و قلم برداشتم و از تمام مسئولیت‌هایم استعفا دادم. خانیکی به من گفت: منظورم این نبود که استعفا بدهی؛ هدفم این بود که رفتارت را اصلاح کنی. اما من خودم را می‌شناسم و نمی‌توانستم فعال سیاسی باشم. آمدم بیرون و کل حقوقم را برگرداندم به‌جز سکه‌ای که آقای روحانی یادگاری به من داده بودند. باید بگویم نان دولت جوری نیست که امثال ما را نمک‌گیر کند و افراد مستقل تابع کسی یا جریانی نیستند و بنابراین هرچه را شرط عقل است، بیان می‌کنند.

با این‌حال همچنان معتقدم که به دلیل ارتباط و روابط عمومی که در دولت داشته‌اید، توانستید به‌راحتی نقد کنید. وگرنه هر روزنامه‌نگار مستقل فرصت این‌چنینی ابراز نظرات خود را ندارد؟

مگر نقدکردن کار بدی است؟

اتفاقا باید همیشه در کنار «قدرت»، «نقد» باشد. منتها مشکل من با شما نقد و نقادی نیست. بلکه قیقاج در نقد است؟ مثلا در «توییتر» شما به این نکته شگفت‌انگیز رسیدم که گفته‌اید: «اکثر اصلاح‌طلبان براندازند» هستند. آخر با چه اصولی چنین نگاهی دارید؟!

ببینید نشانه‌هایی وجود دارد که بر اساس آن من تحلیل می‌کنم. الان ما از وقایع سال ۱۳۸۸ فاصله گرفتیم. اما واقعیت این است که در سال ۸۸ آقای مهندس موسوی با اصلاح‌طلبان زاویه پیدا کرد. تا این حد که ایشان اصلاح‌طلبان را به ستاد خود راه نداد و آنها مجبور شدند ستاد دیگری در قیطریه بزنند.

پس تعریف جدیدی از اصلاح‌طلبان می‌دهید؟

گاهی اوقات ما این مرزها را به‌تقریب گرد می‌کنیم. چون دنیا سفید و سیاه نیست. رنگین‌کمانی از آرا است. من به لحاظ فرهنگی به آقای خاتمی نزدیک هستم ولی به لحاظ سیاسی اصلا. به نظرم آقای جلیلی شخصی کندرو است. اما به نظر ایشان که ایران به‌هیچ‌وجه نباید درباره سلاح بازدارنده اتمی کوتاه بیاید، اعتقاد دارم. خب چنین نگاهی شاید در منظری ظاهربین از جنس نظر پایداری‌هاست. یا من با حضور ایران در منطقه در یمن، عراق و سوریه به‌شدت موافقم؛ اما با حضور سپاه و نهادهای نظامی در فعالیت‌های اقتصادی به‌شدت مخالفم. در این ماجرا وقتی نگاه کنید فضا به‌شدت دوقطبی شده است! سال ۵۷ هم همین بود. مهندس بازرگان نمی‌توانست بگوید با شاه مشکل دارم، اما با آمریکا مشکل ندارم. من هم قائل به این هستم که اسرائیل باید حذف شود و دراین‌باره یادداشتی نوشتم اما موافق نیستم روی موشکی که در حال آزمایش است، چیزی بنویسیم و بهانه دست دشمن بدهیم.

اما همین‌جا گفتید با مذاکره هم مشکلی ندارید! خب این دو نوع تحلیل تصور قیقاج در نقد را برای مخاطب زنده می‌کند.

اگر واقع‌بین باشید متوجه این موضوع می‌شوید. ما اکنون در مرحله‌ای نیستیم که زیر بار شرایط دولت آقای ترامپ نرویم؛ پس با او مذاکره می‌کنیم. یکی از شروط آمریکا قطعا اسرائیل است. اما معتقدم در درازمدت اسرائیل از بین می‌رود؛ منظورم به شکل نظامی نیست، بلکه تصورم همان پیشنهادی است که رهبری می‌دهد. یعنی انتخاباتی برگزار شود و همه کسانی که در خاک فلسطین هستند یا در طول سال‌ها از این کشور رانده شده‌اند رأی بدهند و این‌گونه با کشوری متکثر مواجه شویم که قطعا ماهیتی یک‌پارچه صهیونیستی نخواهد داشت. حالا اگر بر فرض در نتیجه این انتخابات آزاد اکثریت مسلمانان و مسیحیان و یهودی‌ها خواستند و نتانیاهو هم رأی آورد، نوش‌جانش!

با این نگاه، شما واژگان و ادبیات خاص سیاسی مخصوص خود را دارید که در درجه اول باید برای دیگران تبیین کنید.

به نظرم شما اگر خردمندانه‌ترین سخن جهان را که در کتب آسمانی آمده است، بخوانید، اگر فقط یک تکیه از آن -و نه همه- را انتخاب کنید، به نابخردانه‌ترین سخن دنیا تبدیل می‌شود. مثلا جمله‌ای که آقای روحانی درباره تنگه هرمز گفت، درست نبود. چون تنها تنگه‌ای نیست که در اختیار ما هست و اگر به پیشینه ایشان نگاه نکنید، انگار با یک آدم جنگ‌طلب روبه‌رو هستید!

از اکثر اصلاح‌طلبان چه دیده‌اید که فکر می‌کنید براندازند؟

من شخصی نیستم که در هسته مرکزی همه جناح‌های سیاسی باشم، ولی وقتی به یادداشت‌های آن نگاه می‌کنم که منتقد ولایت فقیه، منتقد شورای نگهبان و به قرائت امروز مخالف حتی ظواهری مثل حجاب اجباری‌اند، خب نتیجه می‌گیرم قائل به نظام جمهوری اسلامی نیستند!

این مطالب را برای دیده‌شدن می‌نویسید؟

شاید مثل همه آدم‌های دنیا و در کنار سایر انگیزه‌ها در ناخودآگاهم چنین چیزی هم باشد!

ادامه در صفحه ۱۴

محاکمه متهم ۳۱ سال بعد از قتل پیرزن

شرق: محاکمه مردی که ۳۱ سال قبل برای سرقت جواهرات زنی او را به قتل رسانده بود، به‌زودی در دادگاه کیفری استان تهران برگزار می‌شود.

متهم روز گذشته پای میز محاکمه رفت اما به دلیل اینکه شرایط رسیدگی فراهم نبود جلسه محاکمه به بعد موکول شد. براساس محتویات پرونده سال ۶۶، به مأموران خبر دادند جسد زنی در خانه‌اش پیدا شده و مقداری طلا نیز از خانه این زن به سرقت رفته است. با توجه به اهمیت خبر هماهنگی‌های لازم با رئیس دادگاه بخش آفتاب انجام شد و تحقیقات برای بررسی موضوع در دستور کار کارآگاهان پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

پسر این پیرزن گفت: به همراه همسرم برای شرکت در مراسم ترحیم یکی از بستگان به شهرستان رفتیم و در این مسافرت یک‌روزه دختر چهارساله‌ام را نزد مادرم گذاشتم، اما پس از بازگشت از مسافرت بود که با جسد خون‌آلود مادرم که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود، روبه‌رو شدم.

وی افزود: از آن زمان تاکنون این پرونده همچنان در حال رسیدگی است، اما از هیچ کسی شکایتی ندارم چراکه با هیچ کسی مشکل و اختلاف

ندارم. در شرایطی که ظاهرا هیچ‌گونه اطلاعاتی از عامل جنایت در دسترس نبود، پلیس فهمید عامل این قتل مردی به نام کاووس است که خواهرش در همسایگی مقتول زندگی می‌کرد.

درحالی‌که اثری از کاووس و خانواده‌اش وجود نداشت با انجام اقدامات پلیسی، کارآگاهان موفق به شناسایی مخفیگاه کاووس شدند و این محل را تحت کنترل و مراقبت نامحسوس پلیسی قرار دادند. سرانجام در ساعت هشت صبح روز شنبه سوم تیرماه سال گذشته کاووس درحال خروج از خانه‌اش دستگیر و به پلیس آگاهی منتقل شد. او در همان تحقیقات اولیه صراحتا به قتل پیرزن اعتراف کرد.

متهم گفت: ۳۰ سال پیش وقتی ۱۶ سال داشتم به دلیل اختلاف مالی، پدرم من را از خانه بیرون کرد و من نیز به‌ناچار یک ماه به خانه خواهرم نقل‌مکان کردم؛ یک روز خواهرم گفت که چند روز پیش یک موتوری را دیده که مبلغ ۳۵۰ هزار تومان پول برای پیرزنی که در همسایگی آنها زندگی می‌کند، آورده است. با شنیدن این خبر وسوسه سرقت پول‌ها به جانم افتاد تا اینکه یک روز برای سرقت وارد خانه پیرزن شدم.

وی ادامه داد: پیرزن در حیاط خانه در حال خردکردن سبزی بود که من را دید و پرسید که آنجا چه‌کار می‌کنم و در ادامه مرا به عقب هل داد. زمین که افتادم دستم به چاقویی خورد که پیرزن با آن سبزی خرد می‌کرد، آن را برداشتم و به وی حمله‌ور شدم و او را کشتم. با پایان تحقیقات، کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۷ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. روز گذشته قرار بود متهم محاکمه شود که رسیدگی به دلیل فراهم‌نبودن شرایط به بعد موکول شد.

درخواست کمک مرد اعدامی برای بازگشت به زندگی

شرق: مردی که به جرم قتل به قصاص محکوم شده اما با پرداخت دیه می‌تواند زنده بماند، از مردم درخواست کمک کرد. صبح یکی از روزهای پایانی سال ۸۵، نیم‌تنه مردی در نزدیکی بازار کمربندی محمدآباد شهریار پیدا شد که قسمتی از آن را حیوانات خورده بودند و آثار سوختگی هم روی آن مشهود بود. درحالی‌که تحقیقات درباره نیم‌تنه کشف‌شده آغاز شده بود، چند ساعت بعد در فاصله ۴۰۰متری نیم‌تنه، قسمت بالای جسد که پتوپیچ شده بود در جوی آب کشف و در ادامه هویت مقتول فاش و تحقیقات آغاز شد.

پدر مقتول در اظهارات اولیه از عروس و برادر عروسش شکایت کرد و گفت: ساعت ۱۲:۳۰ روز ۱۲ اسفند ۸۵ پسرم به مغازه برادرزنش رفته بود. قبل از آن با من صحبت کرده و گفته بود برای دریافت طلا به آنجا خواهد رفت و پس از آن به خانه خواهد آمد اما به خانه بازنگشت. این مرد همچنین از اختلاف مقتول و همسرش خبر داد و گفت: پسرم روز قبل هم با برادرزنش تماس گرفته بود تا پولش را از او بگیرد. از طرفی عروسم به خاطر اختلاف با پسرم مدتی است که به حالت قهر به خانه برادرش رفته است.

این در حالی بود که برخی از اشیای کشف‌شده در محل رهاشدن جسد مدارکی علیه برادرزن مقتول بود. مأموران چند روز بعد با به‌دست‌آمدن مدارکی برای دستگیری متهم به خانه او مراجعه کردند، اما همسر مقتول و همسر متهم گفتند او تصادف کرده و بستری است.

به‌این‌ترتیب متهم به‌صورت مقدماتی تحت بازجویی قرار گرفت و در تحقیقات اختلاف جزئی مقتول و خواهرش را تأیید کرد. این درحالی بود که کارشناسان پزشکی قانونی علت اصلی مرگ مقتول را ضربه مغزی بر اثر برخورد جسم سخت و شکستگی جمجمه اعلام کردند. از سوی دیگر متهم خود را بی‌گناه معرفی و فرد دیگری را به‌عنوان مظنون معرفی کرد، اما در تحقیقات انجام‌شده برای فرد مورد نظر قرار منع تعقیب صادر شد و برادرزن مقتول همچنان به‌عنوان تنها متهم پرونده در بازداشت بود. تا اینکه پس از تکمیل تحقیقات پرونده با درخواست اولیای‌دم مبنی بر قصاص متهم و صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست از سوی دادسرا به دادگاه ارسال شد. در نهایت متهم در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفت و با توجه به درخواست اولیای‌دم برای قصاص او و مدارک موجود در پرونده قضات دادگاه متهم را به اتهام یک فقره قتل به قصاص محکوم کردند که این حکم از سوی دیوان‌عالی کشور نیز تأیید شد. متهم این پرونده که نقی نام دارد و ۱۲ سال از عمر خود را پشت میله‌های زندان سپری کرده است، در تماس تلفنی با خبرنگار روزنامه «شرق» درحالی‌که همچنان ادعا می‌کرد بی‌گناه است، گفت خانواده مقتول به شرط دریافت دیه حاضر به گذشت هستند. آنها به حدی نیاز مالی دارند که پدر خانواده به خاطر هفت میلیون تومان دیه تصادف در زندان اوین بود که در نهایت نتوانست مبلغ را پرداخت کند و در زندان فوت شد.

این مرد گفت: اولیای دم به واسطه همین نیاز مالی حاضر به رضایت در ازای ۲۰۰ میلیون تومان شده‌اند، اما ما فقط صد میلیون تومان را فراهم کرده و خیران هم قول داده‌اند ۵۰ میلیون تومان به ما بدهند. ما برای فراهم‌کردن صد میلیون تومان شش سال تلاش کردیم، اما در تهیه بقیه مبلغ ناتوان هستیم برای همین از مردم و خیران کمک می‌خواهم. این متهم درباره زندگی خودش نیز توضیح داد: من به‌دلیل مشکلات مالی خیلی زود مجبور به ترک تحصیل شدم و وقتی به زندان آمدم، سیکل داشتم اما الان فوق‌دیپلم دارم و به‌زودی برای لیسانس حقوق ثبت‌نام خواهم کرد. همچنین در ۱۳ رشته فنی-حرفه‌ای مدرک گرفته‌ام و در همه این ۱۲ سال سعی کردم با بسیاری از مجرمانی که اینجا هستند، متفاوت باشم. علاوه بر اینها من در زندان قرآن خواندم و الان مربی قرآن شده‌ام. به نحوی که در اوقات فراغت به دیگر زندانیان قرآن آموزش می‌دهم.

این محکوم به قصاص همچنین گفت: من برای قتل انگیزه‌ای نداشتم و فقط قصد کمک به مقتول و خانواده‌اش را داشتم که بتوانند وام بگیرند، اما همین موضوع باعث اختلافاتی جزئی شد. اصلا دلیلی برای قتل نبود، اما شیوه قتل نشان می‌دهد قاتل کینه زیادی از مقتول به دل داشته که من اصلا دلیلی برای کینه از مقتول نداشتم. روند رسیدگی به پرونده هم این را نشان می‌دهد به نحوی که سه بار بعد از صدور حکم قصاص برای من برای پرونده نقص گرفته شد. زمان قتل من در بیمارستان بودم و حتی مادر مقتول و دامادشان روز بعد از تصادف من که همان شب جسد کشف شد، به عیادت من در بیمارستان آمدند.

این متهم در پایان گفت: به‌هرحال من الان محکوم به قصاصم و واقعا خانواده‌ام توان تهیه بقیه مبلغ درخواستی اولیای دم را ندارند برای همین از مردم می‌خواهم کمکم کنند.

افرادی که تمایل دارند به این مرد کمک کنند می‌توانند کمک‌های نقدی خود را به شماره حساب: ۰۱۰۵۶۵۸۶۴۶۰۰۹ یا شماره کارت: ۶۰۳۷۶۹۱۶۵۳۳۹۱۹۹۵ بانک صادرات متعلق به خواهر متهم به نام رقیه کریمی واریز کنند.

گره تازه در پرونده قتلی که ۱۳ سال قبل رخ داد

شرق: مردی که ۱۳ سال قبل در یک جنایت مستانه جوانی را به قتل رسانده بود، در حالی پای میز محاکمه رفت که اولیای دم فوت کرده‌اند.

به گزارش خبرنگار ما، این قتل ۱۳ سال قبل اتفاق افتاد و از همان زمان تحقیقات برای بازداشت متهم آغاز شد. براساس محتویات پرونده سال ۸۴ در منطقه ورامین، درگیری بین دو جوان در یک مراسم عروسی رخ داد و سپس این درگیری به خیابان کشیده شد. حین درگیری متهم که کاوه نام دارد، با واردکردن ضربه‌ای با قمه جوانی به نام کیارش را به قتل رساند. کاوه بعد از قتل متواری شد و ردی از او پیدا نشد. در این مدت تحقیقات مأموران برای پیداکردن او ادامه داشت. پلیس در بازجویی‌هایی که برای شناسایی متهم انجام داد، متوجه شد متهم زمان حادثه مست بود. سعید یکی از دوستان او به مأموران گفت: ما به مراسم عقد دعوت شده بودیم و در یک روز در دو مراسم عقد باید حاضر می‌شدیم و هر دو نفری که ما را دعوت کرده بودند، از دوستانمان بودند. بعد از اینکه به اولین مراسم عقد رفتیم کمی مشروب خوردیم و بعد به مراسم عقد دومین دوستمان رفتیم. کاوه در آن مراسم هم مقداری مشروب خورد؛ زیاده‌روی کرد. من هرچه به او گفتم نباید مشروب بخوری، قبول نکرد. او بدمست بود و همیشه بعد از مشروب‌خوردن درگیری به راه می‌انداخت؛ این‌بار هم با جوانی در مراسم درگیر شد و پسر جوان که کیارش نام داشت، برای اینکه مراسم به هم نخورد، تصمیم گرفت بیرون بیاید؛ کاوه هم دنبال او رفت و درگیری آنها در خیابان ادامه پیدا کرد، بعد هم کاوه با قمه ضربه‌ای به مقتول زد و فرار کرد؛ ما خبر نداریم او حالا کجاست. تحقیقات برای پیداکردن متهم به جایی نرسید. با توجه به جمیع اطلاعات به‌دست‌آمده و شکایت اولیای دم پرونده برای رسیدگی به شعبه ۴ دادگاه کیفری که در آن زمان ۷۴ بود، فرستاده شد. در آن زمان پدر و مادر مقتول زنده بودند؛ آنها درخواست قصاص کردند و رأی غیابی بر قصاص نیز صادر شد تا اینکه دو سال قبل یکی از اقوام مقتول به پلیس گزارش داد که می‌داند متهم کجاست. او گفت: من او را در شهری اطراف مشهد دیدم و آدرس خانه‌اش را هم دارم.مأموران با بازداشت کاوه متوجه شدند او بعد از قتل به شهر اجدادی‌اش رفته، همان‌جا ازدواج کرده و دو فرزند هم دارد؛ بااین‌حال متهم برای محاکمه به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. از آنجا که پدر و مادر مقتول هر دو فوت کرده بودند، فرزندان آنها و مادر یکی از فوت‌شدگان به‌عنوان ولی دم شناخته شدند. مدتی بعد از دستگیری متهم، مادر پدر مقتول هم که از وراث و از اولیای دم بود فوت کرد و فرزندان او به‌عنوان وراث شناخته شدند و جمع اولیای دم به ۱۵ نفر رسید. روز گذشته قرار بود متهم محاکمه شود اما از آنجا که از اولیای دم تحقیق نشده بود دادگاه دادسرا را موظف به تحقیق از آنها و اعلام نتیجه به دادگاه کرد و ادامه رسیدگی را به بعد از تحقیق موکول کرد.

پنج قاره

گسترش آتش‌سوزی‌های جنگلی به مناطق گردشگری پرتغال

● رسانه‌های داخلی پرتغال از گسترش آتش‌سوزی‌های مهیب جنگلی در این کشور و پیشروی آن به سمت مناطق ساحلی و توریستی خبر دادند. با گسترش آتش‌سوزی‌های مهیب جنگلی منابع و تجهیزات بیشتری برای مهار این حادثه فاجعه‌بار به کار گرفته شده است. همچنین این نگرانی وجود دارد که حریق به شهر «پورتیمائو» که گردشگران انگلیسی در آن رفت‌وآمد دارند، گسترش پیدا کند. این آتش‌سوزی‌های جنگلی هم‌زمان با افزایش دمای هوا و تداوم موج گرما از پنج روز قبل مناطق جنگلی این کشور را درگیر کرده است. درحال‌حاضر شعله‌های آتش به سمت مناطق ساحلی که هزاران گردشگر، مسافر و افراد بومی تعطیلات خود را در آن می‌گذرانند، در حرکت است. با وجود تلاش‌های انجام‌شده برای جلوگیری از تکرار تلفات و خسارات آتش‌سوزی‌های مهیب جنگلی که سال گذشته ۱۱۴ کشته در پرتغال به جا گذاشته، با حوادث اخیر از مقامات این کشور انتقاد شده است. به گزارش اسکای‌نیوز، تاکنون گزارشی از تلفات این حادثه منتشر نشده است و روستاهایی که در مسیر آتش‌سوزی قرار دارند، کاملا تخلیه شده‌اند. همچنین حدود ۳۰ نفر به دلیل سوختگی و استنشاق دود تحت درمان قرار گرفته‌اند.

۱۰ کشته به دلیل توزیع غذای مسموم در مراسم خاک‌سپاری

● توزیع غذای مسموم در یک مراسم خاک‌سپاری در پرو به مرگ دست‌کم ۱۰ نفر منجر شده است. بنابر اعلام رسانه‌های محلی در پرو، ۵۰ نفر از افرادی که در این مراسم شرکت کرده بودند، به دلیل مصرف غذای آلوده بیمار شدند. ۱۰ نفر از این افراد بر اثر شدت مسمومیت جان باخته و چندین نفر دیگر نیز به دلیل وخامت حالشان تحت مراقبت‌های بیمارستانی قرار گرفته‌اند. بررسی‌های اولیه حاکی از آن است که مواد غذایی توزیع‌شده در این مراسم خاک‌سپاری به نوعی ترکیب شیمیایی مورد استفاده در آفت‌کش‌ها آلوده بوده است. به گزارش اسکای‌نیوز، بررسی جزئیات بیشتر این حادثه و انجام آزمایشات روی مواد غذایی توزیع‌شده در این مراسم در حال انجام است.

رخداد

نجات ۱۰۰ نفر از آتش‌سوزی برج

● سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران از نجات صد نفر در آتش‌سوزی یک برج در میدان ساحل خبر داد. جلال ملکی درباره جزئیات این حادثه اظهار کرد: ساعت ۲:۴۱ روز گذشته در یک برج مسکونی شمال غرب تهران، میدان ساحل، دودی مشاهده شد که پس از اعلام آن از سوی شهروندان به سامانه ۱۲۵ سازمان آتش‌نشانی، با توجه به حساسیتی که حوادث برج‌های مسکونی دارند، پنج ایستگاه از سوی ستاد فرماندهی سازمان آتش‌نشانی به همراه نردبان هیدرولیکی به محل اعزام شدند.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با بیان اینکه هنگام رسیدن آتش‌نشانان بیشتر طبقات برج را دود غلیظی فراگرفته بود، افزود: هنگام رسیدن نیروهای آتش‌نشانی افرادی که از حادثه مطلع شده بودند، سراسیمه در حال خروج از ساختمان بودند اما اطلاعات حاکی از آن بود که ساکنان بسیاری از واحدها از این مسئله آگاه نشده بودند و در شرایط ناایمن در ساختمان حضور داشتند. او اضافه کرد: آتش‌نشانان هم‌زمان با رفتن به طبقات بالایی برای جست‌وجو منشأ آتش‌سوزی اقدام به خروج افراد داخل ساختمان کردند و حدود صد نفر به‌کمک آنها از ساختمان خارج شدند. ملکی درباره علت حریق گفت: مشخص شد که منشأ حریق در کابین آسانسوری بود که در طبقه نهم متوقف و سیم‌کشی آن دچار آتش‌سوزی شده بود و دود آن به طبقات دیگر سرایت کرده بود.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با اشاره به اینکه پس از حدود دو ساعت عملیات در ساعت ۴:۴۳ دقیقه به پایان رسید، اظهار کرد: خوشبختانه این حادثه با اطلاع به‌موقع و حضور خوب آتش‌نشانان ختم به خیر شد، اما باید توجه داشت که حادثه در اماکنی که جمعیت زیادی در آنها حضور دارند و تجهیزات ایمنی مناسبی در آنها وجود ندارد، بسیار خطرناک است و حتی این اماکن در چنین شرایطی پتانسیل این را دارند که تلفات جانی هم به‌جا بگذارند. این ساختمان هم تجهیزات ایمنی مناسبی نداشت. اگر سیستم‌های اعلام و اطفای حریق به‌درستی کار نکنند می‌توانند بسیار خطرآفرین باشند.